

## پژوهش سیاست اجتماعی در ایران

دکتر معصومه قاراخانی\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۵

### چکیده

سیاست اجتماعی موضوعی است که به طرز فراگیری زندگی کنشگران اجتماعی را تحت تاثیر قرار داده است و آنها همواره در معرض سیاست‌های اجتماعی گوناگون قرار دارند. بازتاب این موضوع را می‌توان در پژوهش‌های پیرامون سیاست اجتماعی که به منشأ، دلایل و پیامدهای این موضوع می‌پردازند، پیگیری کرد. در این مقاله پژوهش سیاست اجتماعی در ایران را از سه بُعد ضرورت، وضعیت و دشواری‌های آن مورد بررسی قرار داده‌ایم. قصد داریم اهمیت توجه به سیاست اجتماعی را به عنوان موضوع علم اجتماعی خاطر نشان سازیم و نیم‌رخ از وضعیت پژوهش در این حوزه را در ایران نشان دهیم.

Qarakhanim@gmail.com

\* . دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

علاوه بر این، برخی تنگناها و دشواری‌های فراروی پژوهشگران در این حوزه را برشماریم و در پایان پیشنهادهایی برای پژوهش در این زمینه ارائه نماییم. این پژوهش با روش تحلیل اسنادی نشان می‌دهد که کمتر تلاش علمی و سازمان‌یافته برای مطالعه تجربی سیاست اجتماعی صورت گرفته و سیاست اجتماعی با همه اهمیتی که دارد هنوز ماهیت نظری و مفهومی خود را در ایران نیافته است. به هر روی، سیاست اجتماعی حوزه‌ای بکر برای مطالعه پژوهشگران علوم اجتماعی است و دقت نظر در انتخاب موضوعات و روش‌های آنها، در صورت دسترسی آسان و روزآمد به اطلاعات و داده‌ها، می‌تواند ادبیات نظری و تجربی این حوزه را در ایران پربار سازد. افزون بر این، پژوهش‌ها در این حوزه باید بتوانند بر عملکرد و جهت‌گیری دولت‌ها در حل مسائل اجتماعی تأثیر بگذارند.

**واژه‌های کلیدی:** سیاست اجتماعی، سیاست عمومی، دولت رفاه، رفاه

اجتماعی، توسعه اجتماعی، مسئله اجتماعی.

## مقدمه

مردم در زندگی روزمره خود با جنبه‌های گوناگون سیاست اجتماعی ارتباط دارند. طیف گسترده‌ای از مباحثی که در سیاست اجتماعی به آنها پرداخته می‌شود، نشانه میزان تأثیرگذاری سیاست اجتماعی بر زندگی اجتماعی، رفاه و امنیت جامعه است. «دولت‌ها نسبت به یک قرن گذشته با انجام هزینه‌های اجتماعی و اقدامات بوروکراتیک، برنامه‌های تأمین اجتماعی را گسترش داده و در حال حاضر بسیاری از دولت‌ها در زمره دولت‌های رفاه قرار دارند» (Amenta 2003). آنها برای کسب مشروعیت و جلب آرا مردم به موضوعاتی مانند: گسترش بهداشت، ارتقا آموزش، کاهش بیکاری، حفظ محیط زیست و کاهش فقر می‌پردازند (هابرماس، ۱۳۸۰ و Dani & Haan 2008) و ما

روزانه با هر یک از این موضوعات و یا تقریباً با همه آنها سروکار داریم و یک کنشگر فعال در سیستم رفاه اجتماعی هستیم (Segall 2007: 5). باید دانست که سطح توسعه سیاست اجتماعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و مدل‌های گوناگون دولت رفاه قابل شناسایی است. بنابراین تفاوت بین کشورها نه از بابت وجود یا عدم وجود سیاست اجتماعی بلکه از بابت ماهیت، کیفیت و چگونگی اجرای آن است. در برخی کشورها سیاست اجتماعی در همه ابعاد توسعه یافته است و همه شهروندان را پوشش می‌دهد، اما در برخی کشورها سیاست اجتماعی تنها در ابعاد محدودی توسعه یافته است.

با وجود اشاره به شواهدی از سیاست اجتماعی در ایران باستان (بنگرید به صدیق، ۱۳۵۰؛ کامکار، ۱۳۸۲) و تأکید بر این‌که خطوط کلی سیاست اجتماعی اسلام در جهت جلوگیری از فقر و تعدیل ثروت و حرکت عمومی به سوی فقرزدایی، کاهش آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی است (Jawad, 2009؛ توسلی، ۱۳۸۲) مسکوب (۲۰۰۴) اما آغاز سیاست اجتماعی مدرن در ایران را از اواخر دوره مشروطه و همزمان با اولویت دادن به دو بخش بهداشت و آموزش و پس از آن در دهه ۱۳۲۰ با ایجاد فضای باز سیاسی و بحث درباره موضوعاتی مانند: بهداشت، بیمه‌های کارگری، اصلاحات ارضی و تحصیل رایگان (Messkoub, 2004: 191) می‌دانند. با وجود این، سعیدی (۱۳۸۶) دولت رفاهی به عنوان محور اصلی سیاست‌های اجتماعی معاصر را با تمام ویژگی‌هایش، زاده انقلاب اسلامی می‌داند و اشاره می‌کند که «قانون اساسی، دولت را مسئول تدوین سیاست‌های اجتماعی جامع و تمام عیار در زمینه‌های تغذیه، بهداشت، آموزش، اشتغال و مسکن تمام مردم شناخته است و بعد از آن سازمان‌ها و بنیادهای انقلاب در کنار سازمان‌های دولتی گذشته به عنوان سازمان‌های موازی با دولت برای تحقق این امر تأسیس شدند» (سعیدی، ۱۳۸۶: ۹۰).

اما شواهد تاریخی نشان می‌دهند که سیاست اجتماعی مدرن با ملی شدن اجتماع فرهنگی ایرانیان و تبدیل آن به جامعه ملی ارتباط وثیقی دارد، زیرا تشخیص و تعیین گستره سیاسی پیش‌زمینه آغاز سیاست اجتماعی است. شاید بتوان سیاست اجتماعی مدرن در ایران را همزاد آشنایی ایرانیان با مدرنیته و همسو با نوگرایی دانست. جرقه‌های سیاست اجتماعی در زمان صدارت امیرکبیر زده شد و از آن زمان با اقداماتی که امیرکبیر انجام داد «سیاست‌گذاری در ایران وجهی ملی به خود گرفت» (بنگرید به میرزایی، ۱۳۹۰). اقدامات او در زمینه آبله‌کوبی،<sup>۱</sup> مقابله با وبا، ایجاد مریض‌خانه دولتی، تعلیم پزشکان، نظافت شهر، رسیدگی به گدایان و بیماران، تأسیس دارالفنون که آدمیت (۱۳۷۸) آنها را ذیل «امور شهر و خدمات عمومی» و در واقع به عنوان بخشی از اصلاحات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی دوران کوتاه صدارت او توضیح داده است، مصادیقی از سیاست اجتماعی در ابعاد بهداشت، آموزش و محیط زیست هستند. برخلاف آنچه مسکوب (۲۰۰۴) و سعیدی (۱۳۸۶) مطرح می‌کنند، می‌توان گفت تکوین سیاست اجتماعی مدرن در ایران به سده نوزدهم و گسترش آن به دوره رضاخان باز می‌گردد. با شروع انقلاب ۱۳۵۷ در انتقاد به عملکرد رژیم پیشین و در جهت پیروی از اهداف انقلاب، برقراری رفاه و عدالت اجتماعی همواره مورد تأکید قرار گرفت. اکنون بسیاری از حوزه‌های سیاست اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت، تغذیه، مسکن، اشتغال، امور جوانان و زنان و حتی امور قضایی در حیطه وظایف اصلی دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و رسمی قرار دارند، اما سیاست اجتماعی یکی از مسائل اجتماعی جامعه کنونی است.<sup>۲</sup> اذعان به وجود چالش‌های اجتماعی ایران طی دهه‌های

۱ - آدمیت در وقایع اتفاقیه درباره اقدام دولت در زمینه مقابله با آبله و اقدامات امیرکبیر در این‌باره می‌نویسد: اولیای دولت علیه، کسان برای یادگرفتن این فن شریف گماشته‌اند که بعد از آموختن به جمیع ممالک محروسه مأمور نمایند که در هر ولایتی جمیع اطفال خود را مردم بیاورند و آبله‌شان را بکوبند و از تشویش هلاکت رعیت آسوده گردند» (آدمیت، ۱۳۷۸: ۳۳۲).

۲ - روزی نیست که در روزنامه‌ها مطالبی درباره وضعیت عدالت، اشتغال و سلامت در جامعه، اختصاص بودجه‌های دولت برای امور اجتماعی، وضعیت مبتلایان به بیماری‌های خاص و نیازمندی‌های آنان و درباره

گذشته و استمرار آنها «بحران فقر و نابرابری اجتماعی، بحران آموزش، بحران آسیب‌های اجتماعی و بحران بیکاری» - (در این باره بنگرید به مومنی، ۱۳۸۲؛ رفیعی، ۱۳۸۲؛ میرآشتیانی، ۱۳۸۲؛ رئیس‌دانا، ۱۳۸۳؛ علیزاده، ۱۳۸۳؛ رفیعی و دیگران، ۱۳۸۷) سیاست اجتماعی را به عنوان مساله اجتماعی مطرح ساخته است.

با وجود اهمیت مساله سیاست اجتماعی همسو با آرمان‌هایی مانند: تحقق عدالت و تأمین رفاه اجتماعی برای ملت و نیز وجود حوزه‌های سیاست اجتماعی، کمتر تلاش علمی و سازمان‌یافته‌ای برای مطالعه تجربی این موضوع صورت گرفته است. بنابراین، مساله‌مندی سیاست اجتماعی در ایران را نه تنها از نقطه نظر ناکامی آن در گسترش عدالت و رفاه اجتماعی می‌توان مورد توجه قرارداد، بلکه به سبب در حاشیه ماندن توسط کنشگران حوزه علوم اجتماعی ایران نیز قابل توجه است. در این مقاله مساله‌مندی سیاست اجتماعی از باب کم توجهی به اهمیت پژوهش در حوزه سیاست اجتماعی و نیز ضعف پژوهش‌های موجود در این حوزه، مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مسیرهای توسعه سیاست اجتماعی توجه به این موضوع هم از سوی سیاست‌گذاران و هم از سوی اندیشوران و پژوهشگران است. گسترش علوم اجتماعی کاربردی منوط به توجه پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی به موضوعات مرتبط با حوزه سیاست اجتماعی است. این نکته نیز قابل توجه است که بخشی از فضای سیاست اجتماعی به مطالعات و پژوهش‌های این حوزه مربوط است. شناخت و آگاهی از این فضا مسیری برای مطالعه زمینه‌مند و دقیق با هدف توسعه یک سیاست اجتماعی کارآمد پیش‌روی محققان قرار خواهد داد. از این‌رو، این مقاله تلاش دارد با رجوع به اسناد موجود و نظر کارشناسان و نیز تجربه شخصی پژوهشگر به برخی از پرسش‌ها درباره مساله پژوهش سیاست اجتماعی در ایران پاسخ دهد:

#### ۱) ضرورت پژوهش در حوزه سیاست اجتماعی در ایران چیست؟

بازنشستگان و مواردی از این دست را نینیم. این‌ها موضوعات سیاست اجتماعی بوده و به رفاه اجتماعی مربوط می‌شوند.

۲) وضعیت پژوهش در حوزه سیاست اجتماعی در ایران چگونه است؟

۳) دشواری‌های پژوهش در حوزه سیاست اجتماعی در ایران چیست؟

### سیاست اجتماعی و ضرورت پژوهش آن

سیاست اجتماعی در حوزه نظر و عمل زیرمجموعه سیاست عمومی<sup>۱</sup> است و هدف آن ارتقاء برابری فرصت‌ها برای افراد، برابری عاملان و گروه‌های ذینفع<sup>۲</sup> و انسجام اجتماعی برای منافع همه جانبه جامعه است (Dani & Haan 2008). در قرن بیستم برنامه‌های رفاهی از هر نوع مانند؛ تامین اجتماعی، مسکن، آموزش و... که موضوعات غیرسیاسی تعریف می‌شدند به عنوان موضوعات سیاسی مطرح و به دولت‌ها مرتبط شدند (Alcock et al 2008: 163). دولت ملی از طریق قانون‌گذاری و نظارت، میان آنچه خصوصی و شخصی تلقی شده و مربوط به خانواده و فرد بود و آنچه سیاسی بود را به هم ریخت و منجر شد تا سیاست‌ها بیشتر عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی را دربرگیرند (Hela 1991:8-5; Offe 1984; Habermas 1976). نقل از (Alcock et al 2008:162).

از زمانی که تاکید بر انسان به عنوان سوژه توسعه و نه ایزه آن مطرح شد و توسعه اجتماعی در اوج اهداف توسعه قرارگرفت، مسائل اساسی زندگی از جمله گرسنگی، بیماری، محرومیت، بی‌عدالتی، تبعیض که زمانی حل آن‌ها ضرورتی عقلانی داشت، به فوریتی اخلاقی تبدیل شد. «در نهادهایی همچون بانک جهانی نیز دیگر ممکن نبود که توسعه صرفاً به مثابه رشد تصور گردد و علاوه بر این که چنین درک وسیعی از توسعه در عمل با دشواری مواجه شد، یک نهاد مطالعاتی سازمان ملل متحد در اواخر دهه ۱۹۸۰ نوشت؛ که توسعه اکنون به نحوی روزافزون فرایندی مردم محور و عادلانه که هدفش باید پیشرفت شرایط انسانی باشد به نظر می‌رسد (Dadzie 1993:207) به نقل از

<sup>1</sup> . Public policy

<sup>2</sup> . Stakeholder

لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۷۷). آشکار بود که هر تعریف یا استراتژی که بازتوزیع یا برآوردن نیازهای اساسی انسان را مورد توجه قرار دهد نیازمند اقدام سیاسی مناسب از سوی دولت است (Bell 1974 به نقل از لفت‌ویچ، ۱۳۸۵: ۸۲). در توضیح اقدامات دولت‌ها و پدید آمدن نمونه‌های گوناگون دولت‌های رفاه آمده است:

دولت رفاه که پس از جنگ جهانی دوم بر مبنای اصول عامی بنیان گذاشته شده بود، بر حمایت<sup>۱</sup> توسط دولت تاکید زیادی داشت (Mullard and Spicker, 2005: 216). این دولت‌ها بر مجموعه‌ای از اهداف و هنجارها از جمله اشتغال کامل و حقوق شهروندی تاکید داشتند. دولت‌های رفاه اروپایی این هنجارها و اهداف را از طریق سیاست‌های اجتماعی و نهادها از جمله: سیاست‌های اشتغال/ کار، مراقبت بهداشتی عام، آموزش اجباری و رایگان و تامین اجتماعی دولتی<sup>۲</sup> برای پوشش بازنشستگان، بیکاران، بیماران و مرخصی زایمان و غیره نهادمند ساختند. مدل دیگری از دولت رفاه به غیر از دولت‌های رفاه اروپایی پس از جنگ جهانی دوم، مدل توسعه سوسیالیستی بود که شامل شوروی سابق، اروپای شرقی، چین، کوبا و ویتنام بود. سیاست‌های اجتماعی از جمله آموزش رایگان و مراقبت بهداشتی با مفاهیمی مانند: حقوق (کارگران)، پیشرفت و بسیج نیروی کار زنان و مردان برای صنعتی شدن پیوند محکمی داشت. در کشورهای درحال توسعه مبانی و مسیرهای سیاست اجتماعی متفاوت بود. در اغلب این کشورها سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر هنجارها و حقوق کارگری و شهروندی نبود. در [کشورهای] اقتدارگرای شرق/ جنوب شرق آسیا سیاست اجتماعی پیوند محکمی با نتایج توسعه و به ویژه با اهداف صنعتی شدن داشت. به‌طور مثال اهمیت آموزش ابتدا به تربیت کردن<sup>۳</sup> و در درجه دوم با ایجاد نیروی کار با مهارت و رقابتی مرتبط بود (Karshenas and Moghadam 2006: 3&4). سیاست‌های رفاهی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بیشتر در جهت ملت‌سازی و دولت‌سازی و ایجاد مبنای

<sup>1</sup> . Provision

<sup>2</sup> . State-provided social insurance

<sup>3</sup> . Disciplined

اجتماعی برای حمایت از ظهور دولت - ملت‌ها یا رژیم‌ها ایجاد شدند تا بر اساس حقوق شهروندی (Richards and Waterbury, 1996; Halliday, 1979) به نقل از (Karshenas & Moghadam, 2006: 4).

با این که شناسایی مدل سیاست رفاه اجتماعی در خاورمیانه «تحلیل‌ها درباره سیاست اجتماعی در این منطقه در ابتدای راه خود است» (Karshenas and Moghadam 2006; Jawad 2009 و دین، ۱۳۸۸) و ادبیات موجود حوزه سیاست اجتماعی بیشتر پیرامون مدل‌های رفاه اروپایی و کشورهای سرمایه‌داری است، باید در نظر داشت که اعمال سیاست‌های آمرانه توسط دولت‌های کمتر توسعه یافته که فاقد نهادهای اجتماعی‌اند نیازمند توجه ویژه‌ای است. دولت‌هایی که خود را متعهد به اجرای سیاست اجتماعی یک‌سویه و از بالا می‌نمایند بیشتر موضوع مطالعه نظریه‌هایی هستند که «بازگشت به دولت» (Rueschemeyer and Skocpol, 2002) را برای تحلیل سیاست اجتماعی مطرح کرده‌اند. به ویژه این موضوع درباره کشورهای پدرسالار با اقتصاد رانتی خاورمیانه مصداق می‌یابد. هم‌سو با یواد (۲۰۰۹) بر این باوریم که سیاست اجتماعی ظرفیت خاصی برای ارایه روایتی خردمندانه از پویایی‌های سیاسی خاورمیانه، که از جریان اصلی سیاست اجتماعی و ادبیات مطالعات گسترده آن دورمانده است، ارایه می‌دهد (Jawad, 2009:268). سیاست اجتماعی در ایران نیز از این روایت جدا نیست. پافشاری بر کانونی بودن موضوع سیاست اجتماعی در سیاست مدرن و نیز «ضرورت توجه به سیاست اجتماعی» در ایران (بنگرید به پیران ۱۳۸۲، سعیدی، ۱۳۸۶؛ کریمی، ۱۳۸۶؛ غفاری و دیگران، ۱۳۸۶) نشان از لزوم پرداختن به این حوزه در ایران دارد. تا هنگامی که برقراری رفاه و عدالت اجتماعی یکی از وظایف نظام سیاسی به شمار می‌رود و بخشی از مشروعیت نظام سیاسی به کیفیت حکمرانی آن مربوط است، درک چگونگی سیاست اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا آنچه نظام سیاسی را با بحران مشروعیت روبه‌رو می‌سازد و آن را از قرار گرفتن در مسیر توسعه



همه‌جانبه باز خواهد داشت، ناکامی دولت در برآوردن نیازهای اساسی و اولیه شهروندان است.

اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که با گسترش دخالت دولت و افزایش درخواست مردم در بهره‌مندی از انواع خدمات دولتی، نسل‌های امروز نسبت به رفتار دولت و آثار و نتایج این رفتار توجه نشان می‌دهند. این حساسیت نسبت به عملکرد دولت و کارایی آن همواره در ایران وجود داشته است. اشاره آدمیت (۱۳۵۱) به نکته‌سنجی ایرانیان در گذشته و نقل او از حاج سیاح مبنی بر این‌که «صحبت مردم منحصر به حکومت و کارهای اوست» (آدمیت، ۱۳۵۱: ۴۱۱) شاهدی بر این ادعا است. در حال حاضر داوری درباره عملکرد دولتمردان و سیاست‌گذاران همچنان در کانون توجه بوده و ضرورت پژوهش پیرامون سیاست اجتماعی، که به عرصه عمل دولت مربوط است، را بیشتر می‌سازد. با ارجاع به شواهد و دلایل پیش‌گفته، اهمیت مطالعه در حوزه سیاست اجتماعی را در ابعاد نظری و تجربی می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. به باور لفت‌ویچ (۱۳۸۵) مردم هر کجا زندگی کنند عقاید، ترجیحات و منافع متفاوتی در این باره دارند که منابع چگونه باید استفاده شوند؟ برای چه باید استفاده شوند؟ توسط چه کسانی استفاده شوند؟ این تفاوت‌ها در چارچوب ساختارهای متنوع نابرابری و فرصت بر یکدیگر اثر می‌گذارند و این وضعیت ما را به موضوع مرکزیت دولت و نقش آن رهنمون می‌سازد. از آنجایی که اعتماد به نظام سیاسی و احساس عدالت در بین شهروندان موضوعی است که توجه شهروندان را به نقش و عملکرد دولت معطوف می‌سازد، این توجه در پرتو مطالعه سیاست اجتماعی امکان‌پذیر است.

۲. مطالعه سیاست اجتماعی در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران به گستردگی مطالعات این حوزه در کشورهای سرمایه‌داری غربی و کشورهای آسیای جنوب شرقی نیست. وانگهی، شرایط نهادی و سیاسی در کشورهای گوناگون که

برنامه‌های سیاست اجتماعی را تعیین و اجرا می‌کنند متفاوت است و نظریه‌هایی که مبنی بر تجربه کشورهای سرمایه‌داری پس از جنگ جهانی دوم تدوین شده‌اند در مورد کشورهای غیرسرمایه‌داری و از جمله کشورهای در حال توسعه نیاز به بازنگری دارند. این بازنگری بر پایه پژوهش‌های زمینه‌مند در این حوزه امکان‌پذیر است.

۳. سیاست اجتماعی به موضوع تغییرات اجتماعی اهمیت زیادی می‌دهد. اگر چه پژوهشگران علوم اجتماعی در پاره‌ای از مطالعات خود به موضوع تغییرات اجتماعی توجه داشته‌اند، اما به موضوع تغییر از چشم‌انداز مطالعات در حوزه سیاست اجتماعی توجه نداشته‌اند. این تغییرات در عرصه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در چارچوب مطالعات سیاست اجتماعی قابل پیگیری است.

۴. سیاست اجتماعی به دلیل این که کانون رشد دولت‌ها و تغییر ویژگی‌های بسیاری از دولت‌های قرن بیستم است، از اهمیت برخوردار است. فهم و تبیین توسعه این دولت‌ها بدون فهم سیاست اجتماعی غیرممکن است (Amenta 2003:98). بنابراین بخشی از فهم و تبیین تغییر و توسعه دولت در ایران نیز در گرو مطالعه سیاست اجتماعی امکان‌پذیر است. از آنجایی که موضوع، رفاه یک موضوع سیاسی است، فروگذاردن آن به معنی کنارگذاشتن وجهی کلیدی در بررسی تحول جوامع مدرن است.

۵. اطلاعاتی که از طریق تحلیل سیاست‌های عمومی به دست می‌آید می‌تواند برای توسعه جایگزین‌های سیاست در آینده و به کارگیری سیاست‌های پیشین و سیاست‌های موجود یا تبیین مسایل عمومی و پدیده‌های اجتماعی به کار رود (Segall 2007:121). مطالعه سیاست اجتماعی می‌تواند به منظور تعیین سیاست‌ها در آینده، توجه سیاست‌گذاران را به روند سیاست‌ها و زمینه‌های تدوین آنها معطوف دارد.

۶. یکی از شیوه‌های رساندن صدای کاربران و ذی‌نفعان سیاست‌های اجتماعی به سیاست‌گذاران، ارزیابی سیاست‌ها و ارائه اطلاعات حاصل از این ارزیابی‌ها است، و

ضرورت پرداختن به این موضوع، مطالعه فرایند تاریخی سیاست اجتماعی در ایران معاصر است.

۷. سیاست اجتماعی تنها مربوط به مطالعه جامعه و مسایل آن نیست، بلکه به این که چگونه به مسایل توجه شده و اصلاح شوند و نیز به تحلیل موفقیت یا شکست سیاست‌های تعیین شده در جهت گسترش رفاه و بهبودی<sup>۱</sup> هم مرتبط است (Alcock et al 2008: 302). این نکته اهمیت دارد که از طریق الزامات مربوط به عدالت اجتماعی است که می‌توان خطاهای جامعه را پیش از آن که به سراغ بررسی عوارض، پیامدها و رویکردهای مربوط به تشریح مسایل اجتماعی برویم، از طریق پرداختن به موضوع سیاست اجتماعی مورد توجه قرار دهیم. زیرا سیاست اجتماعی پرسش درباره تفاوت در استراتژی و عملکرد دولت‌ها را، به ویژه با توجه به بحران‌ها و مسایل اجتماعی ناشی از افزایش بیکاری، فقر و بی‌خانمانی مورد توجه قرار می‌دهد.

۸. مطالعه سیاست اجتماعی از یک سو مطالعه علمی و تا حدی بی‌طرفانه سیاست‌های جاری دولتمردان است و از سوی دیگر سوق دادن خود جناح‌ها و گروه‌های سیاسی به سوی بیان آشکار، عینی و علمی سیاست‌هایشان و پرهیز از شعاردادن و کلی‌گویی است و این گامی در جهت رشد سیاسی جامعه است. از این چشم‌انداز می‌توان به جمع‌بندی و طبقه‌بندی علمی تجربه‌های روزمره دولتمردان و مدیران در ایران پرداخت تا بتوان این تجارب از هم‌گسیخته و پراکنده را در بستر مکان و زمان ساماندهی و قابل انتقال به دیگران نمود.

### وضعیت پژوهش در حوزه سیاست اجتماعی

ردپای تحلیل سیاست‌ها به سال‌های جنگ [جهانی دوم] و به ویژه به زمان طرح شدن تحقیق عملیاتی و فنون تحلیل اقتصادی باز می‌گردد. بنابراین در میان نخستین

<sup>۱</sup>. Well - being

انواع تحلیل سیاست‌ها، می‌توان از آن‌هایی که در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی و دفاعی شکل گرفت یاد کرد. با این همه کمی بعد در دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده و دیگر کشورها، دولت‌ها به شکلی فزاینده خود را نیازمند به داشتن اطلاعات و تحلیل‌هایی بیشتر در زمینه آموزش، حمل و نقل، طراحی‌های شهری، بهداشت و غیره می‌دیدند (پارسونز، ۱۳۸۵، جلد اول: ۴۴ - ۴۵). می‌توان گفت سیاست اجتماعی همواره مورد توجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است و جامعه‌شناسان و دیگر اندیشمندان علوم اجتماعی بحث‌هایی درباره منشأ، گسترش و عوامل مؤثر بر آن ارایه کرده‌اند (Skocpol and Amenta 1986). اما سیاست اجتماعی در منطقه خاورمیانه در آغاز راه مطالعه و شناخت است. وضعیت تحلیل و شناخت سیاست اجتماعی در ایران نیز این‌گونه است. چنان که سعیدی و صادقی (۱۳۸۹) نیز مطرح کرده‌اند «هیچ کار چشمگیری درباره موضوع سیاست‌گذاری اجتماعی<sup>۱</sup> نه در نظر و نه در عمل صورت نگرفته است. به همین دلیل کمتر کسی می‌داند که سیاست اجتماعی چیست و اولویت‌های آن در ایران کدامند. همچنین رشته سیاست‌گذاری اجتماعی در هیچ یک از دانشگاه‌های ایران تاسیس نشده و کتاب‌ها و مقاله‌های منتشر شده در این موضوع از تعداد انگشتان دست کمتر است، در حالی که در کشورهای اروپایی حداقل چندین دهه موضوع بحث جدی است و محور آن هم مسایل رفاهی است» (بلیک‌مور، ۱۳۸۹: مقدمه مترجمان).

هرچند حوزه سیاست اجتماعی در ایران به طور جدی مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است، با این وجود می‌توان آثار منتشر شده که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به سیاست اجتماعی در ایران مرتبط است را در چند دسته تفکیک نمود: مقالاتی که تنها سیاست اجتماعی را در معنای نظری آن‌ها مورد اشاره قرار داده‌اند (بنگرید به پیران، ۱۳۸۲؛ توسلی، ۱۳۸۲؛ کامکار، ۱۳۸۲) و به تعریف مفاهیم این حوزه می‌پردازند

۱ - مترجم سیاست‌گذاری اجتماعی را معادل Social policy آورده است که برای حفظ امانت به همان صورت نقل شده است. اما در این مقاله «سیاست اجتماعی» معادل Social policy بکاررفته است.

(بنگرید به یزدانی، ۱۳۸۲). برخی از آن‌ها به ضرورت توجه به موضوع سیاست اجتماعی اشاره داشته‌اند (بنگرید به پیران، ۱۳۸۲؛ کریمی، ۱۳۸۶؛ غفاری و دیگران، ۱۳۸۷). معدودی از پژوهش‌ها با طرح موضوع سیاست اجتماعی در خاورمیانه و تاکید بر ایران به مطالعه ابعادی از سیاست اجتماعی در چشم اندازی تاریخی (بنگرید به Messkoub, 2006; Saeidi, 2004, 2001) می‌پردازند و نقش برخی عوامل مؤثر بر سیاست اجتماعی (Saeidi, 2004, 2001 و عزیزی‌مهر، ۱۳۸۸) و اثرات اجرای برخی ابعاد سیاست اجتماعی از طریق نهادهای فرادولتی<sup>۱</sup> بر تقویت ایدئولوژی حکومت و سیاست پوپولیستی را مورد توجه قرار داده‌اند (Saeidi, 2004, 2001). در این میان، پژوهش مقدم (۲۰۰۶ و ۲۰۰۶) به موضوع سیاست اجتماعی در چارچوب مطالعات زنان پرداخته است.

پژوهش‌های دیگری به مسایل اجتماعی مانند: فقر، بیکاری، آموزش، بهداشت و سلامت که می‌تواند مستقیم و غیرمستقیم تحت تاثیر سیاست‌های اجتماعی ایجاد شود پرداخته‌اند (بنگرید به جواهری‌پور، ۱۳۸۳). بخش دیگری از پژوهش‌ها نیز به موضوع رفاه اجتماعی توجه داشته‌اند. اما این پژوهش‌ها کمتر به رفاه اجتماعی به مثابه پیامد سیاست‌های اجتماعی می‌پردازند (به‌طور نمونه بنگرید به کتابی و دیگران، ۱۳۸۴، شریفیان ثانی، ۱۳۸۱). در این میان مقاله‌هایی نیز به عوامل مؤثر بر توسعه سیاست اجتماعی در سطح نظری اشاره دارند، بدون این‌که به بررسی تجربی زمینه‌مند این عوامل توجه نمایند (بنگرید به معینی، ۱۳۸۲ و کریمی، ۱۳۸۵). در این میان مقاله‌هایی هستند که با اشاره به نقش نخبگان سیاسی بر سیاست‌های رفاهی به بررسی رابطه گفتمان سیاسی غالب و رفاه اجتماعی توجه داشته‌اند (بنگرید به سالارزاده و شیخی، ۱۳۸۶؛ فاضلی و کردونی، ۱۳۸۷). مطالعاتی نیز وجود دارند که به یک حوزه از سیاست اجتماعی می‌پردازند، هر چند که این مطالعات به طور مشخص به ادبیات سیاست اجتماعی از جهت ابعاد و مسیرهای تحلیل سیاست‌گذاری‌ها اشاره‌ای نداشته‌اند

<sup>1</sup>. Para government

(به‌طور نمونه بنگرید به خاتم، ۱۳۸۲؛ اطهاری، ۱۳۸۴)، اما می‌توان آنها را در زمره مطالعات برابندی<sup>۱</sup> سیاست اجتماعی قرارداد. در برخی از این مطالعات گاه اثرات رفاهی سیاست‌ها و نقش آن در بازتوزیع رفاه و یا تداوم فقر مورد توجه قرار گرفته است (بنگرید به عادل‌زاده، ۱۳۷۵؛ بابایی، ۱۳۸۲؛ واعظ مهدوی و همکاران، ۱۳۸۷ و موسی‌خانی، ۱۳۸۷).

هرچند ما نیز بر این باوریم که در حوزه علم «هیچ عرصه‌ای به شکل جامع و کافی مورد مطالعه واقع نشده است (باتلر، ۱۹۵۸: ۱۰۸ به نقل از مارش، ۱۳۸۴: ۱۰۲) و «هیچ پژوهشی کامل و بی‌نقص نیست» (فلیک، ۱۳۸۷: ۴۴۷)، اما می‌توان گفت، به جز برخی از مقاله‌ها و پژوهش‌های صورت گرفته، اغلب آن‌ها ارتباط وثیقی با مباحث نظری و روشی سیاست اجتماعی برقرار نکرده‌اند و یا ارتباطشان در پاره‌ای موارد بسیار ناچیز است و به موضوع رفاه اجتماعی در چارچوب سیاست اجتماعی توجه نداشته‌اند،<sup>۲</sup> (هر چند که موضوع این پژوهش‌ها در زمره مطالعات سیاست اجتماعی قرار می‌گیرند). برخی از پژوهش‌ها مستقیماً به سیاست اجتماعی اشاره ندارند، ولی موضوع آن‌ها ذیل حوزه‌های گوناگون سیاست اجتماعی است. از روش‌شناسی مشخصی برخوردار نیستند. و برخی مطالعات نیز، هم از بُعد نظری و هم از بُعد روشی ضعیف هستند و هیچ‌گونه مجادله نظری و روشی درباره سیاست اجتماعی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. در این مطالعات نقش دولت، تاثیر تغییرات اجتماعی و سیاسی بر سیاست‌های اجتماعی و نیز تاثیر اجرا یا عدم اجرای سیاست‌ها بر انسجام اجتماعی در چارچوب تحلیل‌های نظری این حوزه کمتر مورد توجه است. پژوهش‌هایی که به

#### <sup>۱</sup>. Out put

۲ - یکی از ویژگی‌های برخی از این مطالعات آن است که محتوای مقالات بازگوکننده آنچه در عنوان مقاله آورده شده نیستند و به نظر می‌رسد درباره برخی از مقالات تا حدی عناوین انتخاب شده غلوآمیز است، اما مقاله از محتوای نظری و روشی در این حوزه خالی است (به طور نمونه بنگرید به دفتر امور زیربنایی مجلس، ۱۳۷۶ و فاضلی، ۱۳۸۷).

فقدان رفاه اجتماعی، وجود مسایل اجتماعی یا احساس محرومیت و کاهش کیفیت زندگی در ایران توجه دارند، اغلب این موضوعات را در ارتباط با متغیرهای اجتماعی - اقتصادی یا فرهنگی مانند: سرمایه اجتماعی، پایگاه اجتماعی و متغیرهای دیگری مورد مطالعه قرار داده‌اند.

### دشواری‌های پژوهش سیاست اجتماعی

سواى مشکلات عام موجود در حوزه علوم اجتماعى ( در این مورد بنگرید به مجموعه مقالات مسائلى علوم اجتماعى در ایران، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۵، ۱۳۸۹ و خلاصه مقالات همایش علوم اجتماعى در ایران ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹)، سیاست اجتماعى به مانند حوزه‌هاى دیگر علوم اجتماعى با تنگناها و دشواری‌هاى خاص خود روبه‌رو است. به‌طور کلی ضعف پژوهش در حوزه سیاست اجتماعى را مى‌توان در ابعاد زیر برشمرد:

۱. یکی از دلایل ضعف مطالعات در حوزه سیاست اجتماعى که هم مى‌تواند به عنوان علت و هم معلول این ضعف تلقى شود «فقدان گفتمان سیاست اجتماعى در عرصه عملى و نظرى در بین سیاست‌گذاران و نیز پژوهشگران» (سعیدی، ۱۳۸۶، غفاری و دیگران، ۱۳۸۷) است.

۲. عدم آشنایی با این موضوع و ماهیت بین رشته‌ای بودن آن، سبب شده تا سیاست اجتماعى کمتر مورد توجه قرار گیرد. در حالى که «این حوزه میان‌رشته‌ای است» (Walsh et al 2000; Baldock et al 1999 و دین، ۱۳۸۸) و از دانش جامعه‌شناسى، علوم سیاسى، اقتصاد و برنامه‌ریزى برای تحلیل سیاست اجتماعى یارى مى‌گیرد. در شرایطى که پابندى به مرزهاى پیشین میان علوم گوناگون، پژوهشگران را از نگاهی جامع به موضوعات و مسائلى اجتماعى بازمى‌دارد، مطالعه در حوزه سیاست

اجتماعی می‌تواند به نزدیک‌تر شدن مرزهای حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی در ایران کمک نماید.

۳. ضعف منابع و پژوهش‌های زمینه‌مند درباره این موضوع و اتکا به منابع و پژوهش‌های مرتبط با جوامع مدرن غربی سبب می‌شود تا کارایی این پژوهش‌ها در ایران با توجه به زمینه خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کمتر سودمند به نظر برسد.

۴. پیچیدگی و چندلایه بودن اجرای سیاست اجتماعی در ایران، مطالعه روند سیاست‌های اجتماعی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه یا عدم توسعه آن‌ها را با دشواری روبرو می‌سازد.

۵. فقدان ارتباط بین علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی (خرمشاد، ۱۳۸۹) به ویژه در ایران یکی از دلایل و البته پیامدهای بی‌توجهی به مطالعه در حوزه سیاست اجتماعی و جامعه‌شناسی کاربردی است.

۶. یکی از عمده‌ترین و مهم‌ترین مسائل پژوهش در ایران مشکل آمار، اطلاعات، اسناد دولتی و وجود موانعی است که دسترسی پژوهشگر به اسناد و داده‌ها را با سنگ‌اندازی‌های بوروکراتیک دشوار می‌سازند.<sup>۱</sup> در این حوزه نه تنها پژوهشگر با فقر اطلاعات بلکه تناقض در اطلاعات گزارش شده، چندگانگی اطلاعات در مورد یک شاخص، آمارهای ناقص و ارایه آمارهای اشتباه و غیرواقعی،<sup>۲</sup> فقدان داده‌های پیوسته

۱ - تجربه پژوهشگر در مراجعه به مراکز و سازمان‌های گوناگون که انتظار می‌رود اطلاعات و داده‌های مربوط به هر یک از حوزه‌های سیاست اجتماعی در اختیار پژوهشگر قرارگیرد نشان دهنده دشواری در دستیابی به اطلاعات است. به‌طور نمونه کتابخانه پژوهشکده آموزش و پرورش که نگهداری بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در حوزه آموزش و پرورش را برعهده دارد تنها چکیده این مطالعات را در اختیار پژوهشگران خارج از پژوهشکده خود قرارمی‌دهد. یا در مراجعه حضوری به دفتر بودجه سازمان آموزش و پرورش با این گفته یکی از کارشناسان آن‌جا روبرو شدم که «حتی با وجود ارائه معرفی‌نامه از دانشگاه یا سازمان مربوطه اطلاعاتی در اختیار شما نمی‌گذاریم». تقریباً با برخورد مشابه‌ای از سوی کارشناسان در معاونت بهداشت و درمان نیز روبرو بوده‌ام.

۲ - اظهارنظر بهرنگی در سال ۱۳۳۶ همچنان بازنمای ارایه بخشی از آمار و اطلاعات در ایران است. او می‌نویسد: «آمار در کشور ما اصالت و دقت خود را از دست داده است. نمی‌شود روی آن زیاد حساب کرد». او درباره مشکل جمع‌آوری آمار در وزارت آموزش و پرورش می‌نویسد «خیلی شده که کلاس شبانه یکی دو نفر



درباره شاخص‌های مرتبط با هر یک از ابعاد سیاست اجتماعی و ضعف آرایه آمار و اطلاعات به شیوه الکترونیکی توسط سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با این حوزه روبه‌رو است. سوای نبود اطلاعات روزآمد، گاهی بررسی و ارزیابی مبانی آمارگیری و جمع‌آوری اطلاعات نیز امکان‌پذیر نیست.

۷. یکی دیگر از دشواری‌های پژوهش در حوزه سیاست اجتماعی که به ماهیت بین‌رشته‌ای بودن این حوزه نیز ارتباط می‌یابد، کاربرد روش‌های چندگانه در تحلیل سیاست اجتماعی است. ضمن این‌که کاربرد روش‌های چندگانه در تحلیل دشوار است، در حوزه علوم اجتماعی ایران نیز کاربرد روش‌های چندگانه کمتر مورد توجه است.

### بحث و نتیجه‌گیری

سیاست اجتماعی یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی<sup>۱</sup> است. در شرایطی که امکان ابراز هر نوع خواسته‌ای به عنوان یک کنش سیاسی تلقی می‌شود، دستیابی به حقوق شهروندی و مطالبه آن به عنوان خواستی غیرسیاسی مستلزم توجه به موضوع سیاست اجتماعی در ایران است. ضمن این‌که، پیوند و اطاعت سیاسی

داشته باشد و مدرسه برای اینکه کلاس تعطیل نشود و پنجاه شصت تومان مزد ماهانه معلم شبانه قطع نشود در آمار بیست سی نفر نوشته است» (بهرنگی، ۱۳۳۶: ۱۰۸). این رویه به اذعان کارشناسان آموزش و پرورش هنوز هم دیده می‌شود. به طور مثال در برخی دبیرستان‌ها برای این‌که با درخواست آنان برای داشتن دو معاون موافقت شود تعداد دانش‌آموزان بیشتر از تعداد واقعی آنها اعلام می‌شود. رفیع‌پور (۱۳۷۶) نیز نقل کرده است که در بین دانشمندان غربی که به تحقیقات در کشورهای جهان سوم پرداخته‌اند، مشهور است که آمار و اطلاعات در کشورهای جهان سوم بسیار دستکاری شده و غیرقابل اعتمادند. بویژه وقتی این آمار به وجهه اجتماعی مدیران مربوط می‌شود (مانند تولید ناخالص ملی، توزیع درآمد، بیکاری یا تورم) (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۱۷۴).

۱ - سازمان‌های اصلی بین‌المللی مانند بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل مدت‌ها است که بر اهمیت فراهم نمودن آموزش و مراقبت‌های بهداشتی مناسب و دیگر نیازهای اساسی تاکید می‌ورزند (هال و میجلی، ۱۳۸۸: ۳۰). بیانیه‌های سازمان ملل نشان دهنده قرارگرفتن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دستور کار سیاست اجتماعی در سطوح بین‌المللی است.

مردم از نظام سیاسی به کامیابی آن در تحقق وعده‌هایش مبنی بر برقراری رفاه و عدالت متکی است. بنابراین، یکی از مسیرهای تحقق سیاست اجتماعی و شیوه‌های بازشناسی مسایل اجتماعی و پیامدهای آن‌ها، مطالعه و پژوهش در این حوزه و پیگیری و درج نتایج این مطالعات در سیاست‌گذاری‌های بعدی است. هر چند ریشه‌های تحلیل سیاست‌ها را می‌توان به قدمت خود دولت دانست (پارسونز، ۱۳۸۵، جلد دوم، ۲۰۶) اما سیاست اجتماعی به عنوان یک رشته علمی و دانشگاهی هنوز نسبتاً جوان است (پتريک، ۱۳۸۱: ۱۲). با همه اهمیتی که سیاست اجتماعی به عنوان یکی از موضوعات مدرن سیاسی دارد، برخلاف برخی دیگر از حوزه‌های علوم اجتماعی<sup>۱</sup> فضای علوم اجتماعی در ایران کمتر با این موضوع آشنا است و پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی توجه چندانی به بررسی ابعاد این حوزه مطالعاتی نداشته‌اند، و سیاست اجتماعی در ایران هنوز ماهیت نظری و مفهومی خود را نیافته است. از اینرو، پرداختن به سیاست اجتماعی و انجام پژوهش‌هایی مبتنی بر رهیافت‌های نظری و روشی در این حوزه با هدف توصیف و تبیین دقیق‌تر آن ضرورت می‌یابد. در این مقاله در تلاش برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، مساله پژوهش سیاست اجتماعی در ایران به عنوان یکی از ابعاد مساله‌مندی سیاست اجتماعی ایران مورد توجه قرار گرفت و به بررسی ضرورت مطالعه سیاست اجتماعی، وضعیت پژوهش سیاست اجتماعی و دشواری‌های پژوهش سیاست اجتماعی در ایران پرداخته شد.

بدیهی است، انجام مطالعات ارزشمند نیازمند توسعه این حوزه از علم است. اغلب متخصصان حوزه سیاست اجتماعی عقیده دارند «توسعه سیاست‌های اجتماعی کارآمد توجه به حوزه، مکان و زمان خاص را ایجاب می‌نماید» (Lewis et al, 2000: )

۱ - نتایج پژوهش معیدفر، قاراخانی و میرزایی (۱۳۸۷) درباره تنوع آثار منتشر شده در «نامه علوم اجتماعی» به عنوان یکی از مجلات اصلی این حوزه نشان می‌دهد ۷۴/۹ درصد از آثار در حوزه جامعه‌شناسی، ۱۰/۴ درصد در حوزه مردم‌شناسی، ۷/۷ درصد، ۱/۹ درصد در حوزه مطالعات فرهنگی، ۱/۴ درصد، در حوزه برنامه‌ریزی و تعاون، و در حوزه توسعه روستایی، روان‌شناسی اجتماعی و ارتباطات هر یک ۱/۲ درصد منتشر شده است.

67). این موضوع نشان‌دهنده مطالعه زمینه‌مند سیاست اجتماعی و توجه به این نکته است که هر جامعه‌ای مدل سیاست اجتماعی منحصر به خود را دارد. بنابراین یکی از راه‌های درک سیاست اجتماعی و کنکاش درباره ابعاد گوناگون این موضوع مستلزم ایجاد رشته سیاست اجتماعی در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور است. هم‌سو با آمتا (۲۰۰۳) بر این باوریم که یکی از شیوه‌هایی که پژوهشگران می‌توانند نظریه و پژوهش حوزه سیاست اجتماعی را گسترش دهند بررسی دوره‌های توسعه آن و مطالعه عوامل گوناگون مؤثر بر ابعاد سیاست اجتماعی است. بررسی عوامل مؤثر بر توسعه سیاست اجتماعی و نیز پیامد اجرای سیاست‌ها بخش غیرقابل تفکیک تعیین و اجرای سیاست‌ها توسط سیاست‌گذاران است. این مسیری برای پیوند میان پژوهشگران سیاست اجتماعی و سیاست‌گذاران با هدف دستیابی به یک علوم اجتماعی کاربردی خواهد بود.

آنچه مسلم است، سیاست اجتماعی در ایران حوزه‌ای نوپا برای مطالعه علاقمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی است و موضوعات زیادی را برای پژوهش پیش‌روی آنان قرار می‌دهد. تنها دقت نظر در انتخاب این موضوعات و موشکافی آن‌ها، البته در شرایط دسترسی آزاد و آسان به اطلاعات و داده‌ها، می‌تواند ادبیات نظری و تجربی این حوزه را در ایران پربار سازد. پژوهشگران با طرح پرسش‌های متعددی از جمله؛ سیاست اجتماعی در روند تاریخی خود چه مسیری را طی نموده است؟ آیا می‌توان مدلی از سیاست اجتماعی در ایران ارایه نمود؟ بازیگران اصلی سیاست اجتماعی در ایران کدامند؟ آیا ابعاد سیاست اجتماعی از توسعه موزون برخوردار است؟ اولویت سیاست‌های اجتماعی در ایران کدامند؟ آیا گسترش ابعادی از سیاست اجتماعی در ایران خود باعث بروز مسایل جدید نشده است؟ نقش دولت در توسعه سیاست اجتماعی در ایران چه بوده است؟ ذی‌نفعان سیاست اجتماعی در هر یک از ابعاد آن چه کسانی هستند؟ سیاست اجتماعی در حوزه‌های گوناگون چه اثرات پیش‌برنده یا بازدارنده‌ای بر انسجام اجتماعی و نیز جرایم اجتماعی داشته است؟ می‌تواند یافته‌های

ارزشمندی درباره منشأ، عوامل و نتایج سیاست اجتماعی و توسعه یا عدم توسعه آن در ایران ارایه نمایند. ضمن این‌که باید در نظر داشت سیاست اجتماعی فقط یک رشته دانشگاهی نیست، بلکه موضوعی به شدت کاربردی و مرتبط با زندگی روزمره بوده و با ارزش‌ها و تعهدات جامعه نیز ارتباط دارد. تا وقتی ابعاد سیاست اجتماعی، روند و ویژگی‌های این موضوع شناسایی نشود نمی‌توان به تبیین آن دست زد. وانگهی توجه به این موضوع ضروری است که پژوهش‌ها در این حوزه باید بتواند بر عملکرد و جهت‌گیری دولت‌ها در حل مسایل اجتماعی بینجامد.

### منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۱)، اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۷۸)، امیرکبیر و ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ هفتم.
- اطهری، کمال. (۱۳۸۴)، «فقر مسکن در ایران، فقر سیاست اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۹)، مسائل علوم اجتماعی در ایران، ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۵، تهران: انتشارات جهادانگشاهی واحد تربیت معلم.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران. (۱۳۸۹)، خلاصه مقالات همایش علوم اجتماعی در ایران: دستاوردها و چالش‌ها، ۲۹ و ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۹، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- بابایی، نعمت‌الله. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی و سلامت»، فصلنامه رفاه اجتماعی (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.

- بلیک مور، کن. (۱۳۸۹)، **مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی**، ترجمه: علی اصغر سیعدی و سعید صادقی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- بهرنگی، صمد. (۱۳۳۶)، **کند و کاو در مسائل تربیتی ایران**، چاپ دهم، تهران: انتشارات شبگیر.
- پارسونز، واین. (۱۳۸۵)، **مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها**، ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمدی، جلد اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پتریک، تونی فیتز. (۱۳۸۱)، **نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟**، ترجمه: هرمز همایون‌پور، تهران: گام نو.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران: نقد و بررسی سند کپنهاگ»، **فصلنامه رفاه اجتماعی** (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲)، «در جستجوی سیاست اجتماعی در اسلام»، **فصلنامه رفاه اجتماعی** (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.
- سالارزاده، نادر و محمد شیخی. (۱۳۸۶)، «بررسی میزان توجه نمایندگان دوره‌های چهارم و ششم مجلس شورای اسلامی به مقولات مختلف رفاه اجتماعی»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۹-۳۸.
- سعیدی، علی‌اصغر. (۱۳۸۶)، «چالش‌های شکل‌گیری گفتمان رفاهی در ایران»، **کتاب ماه علوم اجتماعی**، سال یازدهم، دوره جدید، شماره اول، فروردین، ویژه سیاست اجتماعی.
- جزایری، علی‌رضا و مژگان صلواتی. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی و خانواده»، **فصلنامه رفاه اجتماعی** (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.

- جواهری‌پور، مهرداد. (۱۳۸۳)، «سیاست اجتماعی و فقر (از برنامه‌های تعدیل ساختاری تا راهبردهای کاهش فقر)»، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال سوم، شماره ۱۲.
- خاتم، اعظم. (۱۳۸۲)، «کارگران غیررسمی و سیاست اجتماعی در بخش مسکن»، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، سال پنجم، شماره ۱۲.
- خرمشاد، محمدباقر. (۱۳۸۹). «نگاهی بر پیوندهای میان مسایل علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی» در **مسائل علوم اجتماعی در ایران** (تهران ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت)، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- دفتر امور زیربنایی مجلس (۱۳۷۶)، «تحلیلی از سیاست‌های اجتماعی در ایران»، **مجلس و پژوهش**، شماره ۲۳.
- دین، هارتلی. (۱۳۸۸)، **سیاست‌گذاری اجتماعی**، ترجمه: عبدالله بیچرانلو، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- لفت‌ویچ، آدریان. (۱۳۸۵)، **پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، دولت‌های توسعه‌گرا**، ترجمه: جواد افشارکهن، تهران: نشر مرنديز و نی نگار.
- رئیس‌دانا، ف. (۱۳۸۳) «تحول فقر در ایران»، در **مسائل اجتماعی ایران**، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.
- رفیعی، حسن؛ مدنی قهفرخی، سعید؛ وامقی، مروّنه. (۱۳۸۷)، «مشکلات اجتماعی در اولویت ایران»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره نهم، شماره ۱ و ۲.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۶)، **توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صدیق، جعفر. (۱۳۵۰)، **تاریخچه تعاون و تأمین اجتماعی در ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوران اداری دانشگاه تهران.

- عادل‌زاده، رسول. (۱۳۷۵) بررسی تأثیر برخی متغیرهای عمده سیاست اجتماعی بر توزیع درآمد در ایران ۱۳۷۳-۱۳۵۰، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران.
- عزیزی مهر، خیام. (۱۳۸۹) دولت و سیاست اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- علیزاده، م. (۱۳۸۳)، «چالش‌های اشتغال و بازار کار کشور»، در مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.
- غفاری، غلامرضا؛ غلامرضا لطیفی و علی یوسفی. (۱۳۸۷)، «سیاست اجتماعی در ایران»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی: شاخص توسعه اجتماعی، تهران: شیرازه.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷)، «سیاست اجتماعی در عمل»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷، مهر.
- فاضلی نعمت‌الله و روزبه کردونی (۱۳۸۷)، «رفاه و گفتمان سازندگی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۱.
- قانع‌راد، محمدمین. (۱۳۸۴)، «رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- کامکار، م. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی چیست»، فصلنامه رفاه اجتماعی (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.
- کتابی، محمود. و دیگران. (۱۳۸۴)، دولت و بحران رفاه و توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.
- کریمی، وهاب. (۱۳۸۵)، «اصول سیاست اجتماعی»، سیاست و جامعه، سال اول، شماره اول.

- کریمی، وهاب. (۱۳۸۶)، «ضرورت یک سیاست اجتماعی در ایران»، راهبرد، شماره ۴۵.
- مارش، دیوید و جری استوکر. (۱۳۸۴) **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- معینی، محمد. (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و نهادهای غیررسمی»، **فصلنامه رفاه اجتماعی** (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.
- معیدفر. سعید؛ قاراخانی، معصومه؛ میرزایی، سیدآیت‌الله. (۱۳۸۷)، «نامه علوم اجتماعی: روندها و رویه‌ها»، **نامه علوم اجتماعی**، دوره شانزدهم، شماره ۳۵.
- موسی‌خانی، غلامرضا. (۱۳۷۸)؛ **تجزیه و تحلیل رفاه اجتماعی در ایران و اثرپذیری آن از نابرابری درآمدی**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه شیراز.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۲)، «اقتصاد رانتی، مسأله نابرابری در گفت و گو با دکتر فرشاد مومنی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱۹.
- میرآشتیانی، الهام. (۱۳۸۲)، **مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی مسائل اجتماعی در ایران**، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک.
- میرزایی، سیدآیت‌الله. (۱۳۹۰)، بررسی گرایش دانشجویان ایرانی به ناسیونالیسم: با تاکید بر خاستگاه قومی آن‌ها، **پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی**، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی گروه جامعه‌شناسی.
- واعظ مهدوی، محمد، حسین راغفر و محمد مهدی ارابی. (۱۳۸۷)، «برون‌داد سیاست اجتماعی در بهبود توسعه انسانی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی»، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، سال نهم، شماره ۲۸.
- هابرماس، بورگن. (۱۳۸۱)، **بحران مشروعیت**، ترجمه: جهانگیر معینی، تهران: نشر گام نو.



- هال، آنتونی و جمیز میجلی. (۱۳۸۸)، **سیاست اجتماعی و توسعه**، ترجمه: مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: جامعه‌شناسان.
- یزدانی، فرشید. (۱۳۸۲)، «مفاهیم بنیادی در مباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی، حمایت اجتماعی و تأمین اجتماعی)»، **فصلنامه رفاه اجتماعی** (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، شماره ۱۰.
  
- Alcock,Cliff ; Guy,Daly & Edvin,Griggs. (2008) **Introducing Social policy**, second edition. Pearson,Longman.
- Amenta, Edvin. (2003) "What we know about the development of social policy", In **Comparative Historical Analysis in the social science**, Edited by James Mahoney and Dietrich Rueschemayer, ROTDLEGE.
- Baldock, John ; Nicholas, Manning ; Stewart, Miller and Sarah Vickertaff. (1999) **Social policy**, OXFORD.
- Dani, Anis.A.& Arjen de, Haan.(2008) **Inclusive States: Social Policy Structural Inequality**, The World Bank.
- Karshenas, Massoud., Walentine Moghadam.(2006) "Social policy in the middle east: introduction and overview", In **Social Policy in the Middle East**, Edited by Massoud Karshenas & Walentine Moghadam , UNRISD.
- Lewis,Gail; Sharon, Gewirtz ; John, Clarke. (2000) **Rethinking social policy**, sage
- Messcoub , Masoude. (2006) "Constitutionalism, Modernization and Islamization: The Political Economy Of Social Policy in Iran", In **Social Policy in the Middle East** Edited by Massoud Karshenas & Walentine Moghadam , UNRISD.
- Moghadam, Walentine. (2006) "Maternalist Policies Versus Women's Economic Citizenship? Gendered social policy in Iran", In **Gender**

- and Social policy in a Global Content**, Uncovering the Gendered Structure of the Social, Edited by Shahra Razavi and Shireen Hassim.
- Moghadam, Valentine. (2006) "Gender and social policy: Family Law and Women's Economic Citizenship in the Middle East", In **Social Policy in the Middle East**, Edited by Massoud Karshenas &, Valentine Moghadam, UNRISD
  - Mullard, Maurice and Paul, Spicker. (2005) **Social Policy in Changing Society**, Rutledge.
  - Jawad, Rana. (2002) **Possibilities of Positive Social action in the Middle East** (A Re –Reading of the History of Social Policy in the Region), Global Social policy, VOL 8(2), pp. 267 – 280.
  - Rueschemeyer, Dietrich., & Theda, Skocpol.)2002) **Bringing the State Back In**, Cambridge university press.
  - Saeidi, Ali. A. (2001) "Charismatic political authority and populist economics in post – revolutionary Iran", **Third World Quarterly**, Vol. 22, No.2, pp.219 – 236.
  - ----- (2004) "The accountability of Para – governmental organizations (bonyads): The case of Iranian foundations", **Iranian studies**, Vol. 37, No.3, PP.479-498.
  - Segal, Elizabet.A. (2007) **Social welfare policy and social programs**, A values perspective, THOMSON .
  - Skocpol, Theda and Edvin, Amenta. (1986) " states and Social Policy", **Annual Review of Sociology**, Vol. 12. pp. 131- 157.
  - Walsh, Mark & Paul, Stephens and Stephon, Moore. (2000) **Social policy & welfare**, Staley thornes